

چهره جنایتکار شاه

بار دیگر در آستانه سال نو شاه جنایتکار پس از استراحت طولانی در سن و سوره و بند و بست های اسارت آور فرسودگان اعدام هشت تن از جوانان دلاور میهن ما را صادر کرد...

شاه ایران ابدیانه هنوز هم بر آنست که با فشار و خنثی کردن از حد با شکنجه و اعدام مخالفان رژیم میتواند محیط امن و آرامی برای غارت اربابان خود فراهم آورد...

برای عده ای از هنرمندان کشور با شمار "سرتنگون باد رژیم ارتجاعی" به جنبش درآمد. تظاهراتی روی داده که بر خورد با پلیس و نیروهای انتظامی انجامید...

یاری رسان، نیرو بده توفان را

پایان یک زندگی الهام بخش

رفیق گرامی و کرانه در ما احمد قاسمی پناگاه چشم از جهان فرو بست و با مرگ خود سازمان ما را در ماتم و اندوه فروبرد...

هنوز چند ماهی از تأسیس حزب توده ایران نگذشته بود که به این حزب پیوستم و از همان آغاز زبان و قلم شیوا، توانای خود را در دفاع از آرمانهای طبقه کارگر و در دفاع از حقوق خلق زحمتکش بکار انداختم...

این مبارزه بی گروبی امان پارها مورد تعقیب پلیس قرار گرفت و در بار زندان افتاد ولی همواره با عزمی راسخ و اراده ای نیرومند ترمبازه ران نیال کرد...

استفاده از سلاح نفت در مبارزه اعراب علیه اسرائیل بخاطر بیرون راندن وی از سرزمین های اشغالی، اقتصاد دنیای سرمایه داری را با مشکلات بسیاری مواجه ساخت...

از اندک مدتی او را از تهران بزندانی های بد آب و هوای جنوب فرستاد. بر اثر دفاع حزب توده ها از زندانیان سیاسی، دولت رژیم آرا... مجبور شد زندانیان را به تهران بازگرداند...

رفیق قاسمی در آذر ۱۳۲۹ همراه با تنی چند از دیگر رهبران حزب توده از زندان قصر فرار کرد و جای خالی خود را در مبارزه علیه امپریالیسم و شاه ایران که هر روز جدت بیشتری بیافتد اشغال نمود...

وفا داری به طبقه کارگر، مبارزه برخاسته با دشمن طبقاتی و جنین استتخصلت برجسته رفیق فقید ما احمد قاسمی ما اعضای سازمان توفان همه خواهم کوشید از او سر منسب بگیرییم...

رفیق فقید ما احمد قاسمی به ایدئولوژی طبقه کارگر عقیدت وفادار بود و وحدت سیاسی با این طبقه کارگر را گرد میداشت. او به این آموزش ها کسب عقیدت باور داشت که سازمان طبقه کارگر فقط در سایه وحدت اندیشه و عمل نمیتواند در جریان مبارزه و انقلاب پیروز گردد...

بهره گیری از آن نیروی زحمتکش از اسارت اقتصادی و اجتماعی باز نایستاد. در نبرد با دشمنان خلق و با نیروهای سیاسی که مبین باستانی باو توده های رنجبر آنرا به بند کشیده اند نمونه بی گیری و جسارت انقلابی بود...

چهره خیانتکار شاه

می تواند به اقتصاد فرو مانده کشورهای صنعتی کمک برساند. بحران انرژی فرصتی در اختیار شاه ایران گذاشت تا بتند های اسارت را بر دست و پای خلق زحمتکش محکمتسوس سازد...

سرتنگون باد رژیم محمد رضا شاهی

چهره خیانتکار... بقیه از صفحه ۱ یا محصولات تولیدی در ایران را بخار صادر میکنند. "بحران انرژی" نتیجه دیگری نیز بیار آورد و آن اینکه به دوران نفت ارزان قیمت پایان داد. اکنون کشورهای صنوبر باید نفت را به بهای چند برابر برای سایر کشورها بپردازند و همه ساله ده ها میلیارد دلار بیشتر به کشورهای تولیدکننده بپردازند، چنین مبلغ عظیمی بدون شک بر موازنه پرداخت آنها تاثیر زیادی باقی میگذارد و از هم اکنون این موازنه برای پاره ای از این کشورها منفی است. لذا باید چاره ای اندیشید و این مبلغ هنگفت را از تک کشورهای تولیدکننده بدر آورد. بدین منظور در کنار شیوه های سنتی تجارت کشورها عقب مانده مانند میانجیگری بازرگانان و بانکها با بهره های سنگین و غیره اکنون این ایده را به پیش کشیده اند که چنین منابع عظیمی گویا نمیتواند در داخل مرزهای کشورهای تولیدکننده نفت مورد استفاده قرار گیرد و باید آنها را از طریق سرمایه گذاری در کشورهای امپریالیستی به این کشورها بازگردانید تا به رشد تولیدات صنعتی یاری رسانند. شاه ایران که خاک او را با خیانت به میهن و خلق زحمتکش آن سرشته اند پس استیصال این ایده می شناسند.

در جواب استیصال خبرگزار تلویزیون تجارتی انگلستان که آیا ایران پولی که بابت نفت از انگلستان دریافت میکند از این کشور کالا خواهد خرید یا خیر پاسخ میدهند: "بیشتر از این مبلغ و نیز نقد داریم در انگلستان سرمایه گذاری کنیم" خبرگزار سپس میپرسد: افزایش قیمت نفت لطمه شدیدی به موازنه پرداخت های ما خواهد زد و شاید برای یک یا دو سال آینده رشد اقتصادی انگلستان را متوقف کند. آیا این همان چیزی است که شما خواستار آن هستید؟ "شاه میگوید: "درست برعکس آن و به همین جهت تصمیمات ما و اقداماتی که بدینسان این تصمیمات بعمل میاید بیزران قابل ملاحظه ای وضع موازنه پرداخت های شما را بهبود خواهد بخشید." (اطلاعات ۱۰ بهمن ۵۲). در جای دیگر در صحابه با خبرنگار دیگری تلگرافی همین موضوع را تأکید میکند و میگوید: "... هزینه زیادی را صرف امور عمرانی خواهیم کرد... باقی درآمد ما در سایر کشورها فی الصل در انگلستان سرمایه گذاری خواهد کرد". همین شاه با خرید چند میلیارد دلار اسلحه از آمریکا به موازنه پرداخت های آمریکا نیز یاری رسانید.

در موقعی که خلق های میهن ما با فقر و گرسنگی و بیخانمانی دست یگریزند، در زمانی که کشور ما برای رشد اقتصادی خود به سرمایه های فراوانی نیازمند است، شاه ترو مردم ما را برای رشد اقتصادی انگلستان، بهبود وضع موازنه پرداخت های آن بصرف میسازد و آنگاه سرمایه گذاری در داخل کشور را با جلب سرمایه های خارجی نامین مینماید. آیا دلی از این بیگانه پرست ترمیوان یافت؟

باز هم بخاطر رفع مشکلات مالی و "کله موازنه پرداخت های کشورهای مصرف کننده نفت" دولت ایران از "موازنه داخلی خود" مبلغ قابل توجهی... در اختیار صندوق بین المللی پول میگذارد. یا به بانک بین المللی که اختیارات آن در دست آمریکا است منظور تقویت استعمار نوین وام می دهد. و هم اکنون یک میلیارد دلار به این بانک واگذار کرده است و یا "آمانه است او را قرضه بانک بین المللی یا سایر اوراق قرضه معتبر را... خریداری کند". بدین ترتیب دولت ایران تعدادی از درآمد ارزی خود را در اختیار موسسات بین المللی میگذارد تا مشکلات کشورهای مصرف کننده را بر طرف سازد و در عوض از همین موسسات بین المللی وام بگیرد. دیگر همه ساله مالیاتی به بهره های سنگین وام میگیرد. بدین ترتیب کشورهای امپریالیستی با خرید نفت از ایران و دیگر کشورهای نفت خیز رنج بر مشکلات اقتصادی کثرتی غلبه میکنند، چرخهای تولیدات خود را بحرکت درمیآورند با فروش محصولات خود از تشدید بحران جلوگیری میکنند. است اقتصاد خود را رشد هم میدهند و با سرمایه گذاری در کشور ما بویژه در صنایع نفت و گاز انرژی آینده خود را تأمین میکنند و سودهای کلانی از این راه بدست میآورند.

شاه ایران بارها صریحاً و بی پرده خود را خد متکثر و غریب و مدافع غرب معرفی کرده است. اقدامات اخیر او یکبار دیگر چهره خیانتکار او را بر ملا میسازد.

پایان یک زندگی... بقیه از صفحه ۱ داشت، احکام مارکسیسم لنینیسم را بیروز گردانید و وحدت حزب را حفظ کرد. حزب مبارزه بر دامنه های رایج این گروه آغاز کرد. رفیق فقید ما احمد قاسمی با تمام قوا به این کار همت گماشت. او در برآمد های خود در جلسات وسیع بحث و انتقاد، با شرکت خون در حوزهای حزبی، با انتشار جزواتی در رد نظریات انشعابگران، یکی از ستونهای اساسی مبارزه علیه "آوانکار" است. ها و مبارزه علیه انشعاب بود. مبارزه او شرعاً خود را بخشید و حزب از آن سربلند بیرون آمد و جهان بینی طبقه کارگر از الودگی برکنار ماند.

بار دوم پس از مرگ استالین که در معرفی حزب توده ایران بدینال حزب کمونیست اتحاد شوروی بسوی ریزینویسم رفت، رفیق قاسمی با استحکام تمام احکام ریزینویستی ضد ریزینویسم خروشید و کنگره بیستم حزب "کمونیست" اتحاد شوروی که در ۱۹۵۶ تشکیل گردید طرف کرد، هرگز زیر بار گزارش "مخفی" خروشید و در محکوم ساختن رفیق استالین و یگانگی توری برتاریا نرفت. زمانی که ریزینویسم در جنبش کمونیستی از پرده بدر افتاد از جانب مارکسیسم - لنینیسم را گرفت و با ریزینویسم در حزب توده ایران و در جنبش کمونیستی جهانی به مبارزه بی امان برخاست. حزب توده ایران این بار در مرداب ریزینویسم فرو رفت و به حیات خود میثابه حزب طبقه کارگر ایران پایان بخشید. احیا حزب طبقه کارگر به وظیفه فوری و مردم مبدل گردید. برای تیرد با دشمنی خونخوار و محمد رضا شاه و رژیم فاشیست مانند رژیم ایران طبقه کارگر به حزب سیاسی خود به ستاد مبارزه انقلابی نیاز مبرم داشت. رفیق قاسمی با سربلندی به انجام این وظیفه پرداخت و تا آخرین لحظات زندگی از کوشش در این راه باز نایستاد.

رفیق گرامی ما احمد قاسمی در حین مبارزه علیه ریزینویسم و بخاطر احیا حزب طبقه کارگر مشتاقات فراوانی تحمل کرد، مصائب فراوان دید، چیزی نماند بود که در کارگری فرو رود. اما همچنان در مبارزه با دشمنی و سرانجام به همت یاران انقلابی سازمان مارکسیستی - لنینیستی، دولتی را بنیاد نهاد تا مبارزه را همچنان ادامه دهد. این دولتی طبقه کارگر را از ریزینویسم و ایدئولوژی مائوتسه نگاه دارد. به اشاعه مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون پرداخت و احیا حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران تدارک به بیند. ما اعضا سازمان توان خواهیم کوشید در مبارزه علیه ریزینویسم و در دفاع از احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم و در حفظ وحدت سازمان، در احیا حزب طبقه کارگر ایران از او شرمش بگیریم، در برخورد با مشکلات و دشواریها از انجام این وظایف روی نتابیم.

رفیق ما قاسمی در آستانه مرگ افسوس میخورد که چند ماه باید در بستر بماند و از فعالیت سازمانی بدر باشد او در اندیشه ماهانه توان بود. در اندیشه مقاله ای بود که ناتمام گذارده بود. در اندیشه ترخه ای بود که باید بی پایان می رساند. در اندیشه آن بود که سازمان توان بر مدتی از قلم او به از نیروی فعال او محروم خواهد ماند. او تمیدید که هیولای مرگ بر بالین او نشست و هر لحظه در کین است که با دامن زندگی بارور او درو کند.

او از اندیشه سازمان هرگز غافل نبود، زندگی خود را در پیشرفت سازمان توان، در پیشبرد عدلهای آن میگذرد.

### درباره حزبیت

از سخنان لنین بزرگ: "لیبرال های ما، نمایندگان نظریات بورژوازی نمیتوانند حزبیت سوسیالیستی را تحمل کنند و نمیخواهند از مبارزه طبقاتی سخنی بشنوند". "حزب سوسیالیستی و انقلابی گری بحزب" "مردم باد بیحزبی! بیحزبی همیشه و همه جا افزار کار و شعار بورژوازی بوده است." "از دشمنان بیاموزید"

در آستانه مرگ نیز اندیشه سازمان را رها نکرد. سازمان توان زندگی امروز، او نه میخواست و نه میتوانست با چنین زندگی جوشان و امید بخشی و ادع گوید. ما اعضای سازمان توان خواهیم کوشید از نمونه او شرمش بگیریم، همیشه در اندیشه سازمان خود باشیم، در راه پیشرفت سازمان پیش بردم فدای آن از هیچ کوششی فروگذار نکنیم.

رفیق فقید ما در کار وفاداریت و زندگی سازمان بقیش بسزایی داشت، مرگ ناگهنگام او برای سازمان ما ضایعه بزرگی است. باید کوشید جای خالی او را پر کرد و این امر فقط از این راه میسر است که رفقای سازمان بر کار و کوشش خود در همه زمینه ها بیفزایند، سطح آموزش خود را بالا برند، محیط بیرون خود را هرچه بیشتر بهتر بشناسند، صفوف خود را قشر قدر سازند، سازمان را هرچه بیشتر گسترش دهند. برای انجام وظایف سازمان و بویژه وظیفه عمده آن یعنی احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران راه های تازه و تازهتری بیابند. برای تقویت بنیه مالی سازمان بکوشند... سازمان ما بقیین خواهد توانست بر ضایعه بزرگی که برای وی پیش آمده غلبه کند. از خصائل انقلابی رفیق فقید خود بیاموزیم و مرگ این مبارز انقلابی را بیهوشی برای ارتقا سطح مبارزه مبدل گردانیم امروز همانقدر که روز سوگ ما است، روز سوره ابرهیمان است. دشمنان خلقی و ریزینویست ها بر مرگ رفیق قاسمی شاد نباشند. آنها بی پندارند که با مرگ این مبارز انقلابی مانعی از سر راه آنها برداشته میشود، گشایشی در کار آنها بوجود میاید. اما مرگ هیچ مبارز انقلابی آنها را از سرنوشت محتمل نخواهد زهاند. آنها در خلاف جهت تکامل تاریخ روانند و سرنوشت آنها جز شکست و نیستی نتواند بسورد.

طبقه کارگر ایران، همه کمونیستهای انقلابی خاطره این مبارز انقلابی را گرامی خواهند داشت و تصویر او را هرگز از یاد نخواهند بود.

دریفا که احمد قاسمی درگذشت خوشا که با درگذشت هیچکس مبارزه پایان نمی پذیرد. دور بر روان تابناک رفیق فقید و ارجسته ما احمد قاسمی!

### شکاف عمیق طبقاتی

روزنامه ها خبر دادند که مالیات برارث سید ضیا، وطن فروش معروف، پس از تخفیف بسیار بالاخره مبلغ ۱۲۵ میلیون ریال تثبیت شد. همچنین خبر دادند که مالیات برارث لیلی ارفع هسدر سرلشکر ارفع و فاشیست معروف، که سرافرازان وطن پرست شورشی خراسان را در ۱۳۲۲ به جایزه گذاشت، بر ۷۶ میلیون ریال بالغ شده است. (اطلاعات ۱۶ آبان ۱۳۵۲). از اینجا میتوان دید شرت بیکران محمد رضا شاه، این سرور وطن فروشان و در بار غارتگر بیملی را قیاس کنید. از اینجا میتوان دید مفهوم میهن برای طبقه حاکمه ایران را دریابید.

از اینجا میتوان دید شکاف عمیق طبقاتی را در ایران که هیئت حاکمه کوشش فراوان در پوشاندن آن دارد ببینید.

چهره خیانتکار... بقیه از صفحه ۱ ایران اعزام کردید ثابت میکند که محاکمات استثنائی که به این اقدام ها منجر میشوند. با نقض اصول ابتدائی عدالت و حقوق دفاع همراه است ثابت میکند که مقامات ایرانی به آزادی و حتی حیات شخصیت انسانی احترام نمیگذارند. این هشت اقدام معنی اقدام برای پایان بخشیدن به حیات مخالفان سیاسی است.

در فاصله دوروز هشت فرزند قهرمان خلق بر سیاهه غولانی شهیدان افزوده شد. خون سرخ آنها راه انقلاب ایران را روشن ساخت، جسم آنها از حرکت باز ایستاد ولی خاطره آنها در دل خلق های ایران حادتر خواهد ماند. سرتون باند رژیم سیاه محمد رضا شاه! خاطره شهیدان را گرامی بداریم!

### فرهنگ منحط رونیویستی

فرهنگ رونیویستی عمده با سیاست توسعه طلبانه و افسارگسیخته سوسیال امپریالیسم شوروی گسترده می شود و در کنار فرهنگ امپریالیستی جای خویش را پر نمی آید. از این فرهنگ منضبط و کشور عزیز ما ایران نیز در امان نیست. در کار غارت منابع ملی ما، در کار نفوذ افزایش یافتنی شوروی در ایران، فرهنگ رونیویستی بمثابة مکمل این عمل عمل می کند.

این فرهنگ از رزمندگی، ایمان به خلق، تبلیغ سجاای توده ها، شوکوفانی بری است و مانند فرهنگ سیک آمریکا منفرقه افکار و تبلیغ ضوابط و سنتی ها و مروج اندیشه های فاسد بورژوازی می باشد.

دکانهای فرهنگی امپریالیستی و رونیویستی در تحقیق خلق ایران، بمباران، شغولند و در شار آثار ناپاک غربی آثار نویسندگان شوروی نیز جای خاصی را در این عمارتگی ارکستر بین المللی اشغال میکنند. با این تفاوت که انحطاط فرهنگ امریکائی بر بسیاری روشن است ولی سبک رونیویستی آن بسیار نقاب عمل میکند. با برجسب "سوسیالیسم" زمین است تا از زمینه اشتباه جهانی سوسیالیسم در عهد رعبزانی مانند لنین و استالین حد اکثر استفاده را بنماید.

نمونه ای از این آثار مثلا "پیام نوین" نشریه انجمن فرهنگی ایران و شوروی است. در این اثر به معرفی رسول - حمزه شاعر داستانی پرداخته اند. ایشان در سفری که در پهن ماه سال ۵۱ با ایران گردماند پس از مراجعت به شوروی چند قطعه شعر در باره ایران سرود هاند که حتی در روزنامه "ادی" مسکو نیز درج گردیده است. البته اهمیت حمزه شاعر بغیر از اخذ نشان لنین در این است که حضرت ایشان نمایند "شورای عالی اتحاد شوروی بوده و بقول نشریه "نامبرگ" مبارز پرشور راه صلح " نیز می باشند.

ارمغان این آقای شاعر به خلق کبیر اتحاد شوروی و صف

زین ایرانی است. خدو شرف در توصیف زن ایرانی چنین در سخن می دهد که زبان ایران توسعه قسم افند

"یکی بود پوشیده در چادر هزارشاله  
ز سر تا نوک پا"

دانه بیجوده است در وصف ایران  
شعر و نثرها

و در توصیف نوع مردم می فرماید:

زن دیگری داشت چادر بر سر و لیک توری  
برخساز

تو کوئی که بر چهره ی ناز ماه شناور  
نشسته غباری زانبر کزبان

و تو هم که در افکار حمزه شاعر قیامت کرده است چنین وصف گفته:

دیگر زن و نه چادر بر سر نه بی برخساز  
تور و زن

ز چاک کریان او سینه هایش نمایان  
قد آن پری روی شمشاد قامت

و آنگاه شاعر بسخن آمده و از او می پرسد  
که هستی تو، شاید ز پاریس باشی؟  
و این کریان چاک پاسخ می گوید  
من ایرانم های شاعر، ایرانم و ایران!

افق دید شاعر نسبت به زن ایرانی، تنها تا نوبت پیشنی است و از خصوصیات و طرز فکر بورژوازی خویش پرده میزدن زن ایران از جنبش تنباکو نقش بسیار مهمی در مبارزه خلق ما ایفا نمود هاند و در سالیهای بیست برای دفاع از حقوق خویش برای اولین بار در زیر لوای حزب طبقه کارگر ایران سازمان های ویژه خود را تأسیس کرده و در جریان مبارزات عد امپریالیستی خلق مان نقش ارزنده ای داشتند.

پیوستن زنان در دوران اخیر بصوفت مبارزان قهرمانی

که جسان بر گه علوه بدشمنان خلق میزنند حتی از بزرگی خاصی است که از جلب زنان روشنفکر مبارزه مسلحانه حکایت میشود. اشرف دهقانی، نوکی، ابراهیمی، حاجبی تبریزی و ده تا زن دیگر که در جریان مبارزه شهادت رسیده و با در زندان و خارج از زندانها مبارزه بی امان خویش طبقه زینم محمد رضاشاه و امپریالیسم حاکم بر ایران دست زد هاند ندای توحید بخشی برای آینده ایران است.

زن ایرانی را در چاک کریان توصیف کردن و آنها را مظهر زنان ایران دانستن نقاشی کاذبی است و توهمین بسیار عظیم به زنان ایران می باشد. این تحریف که لایق درج در روزنامه ای می مسکرات عاری از بیان واقعیت در باره زنان جنگجوی ایران و مبارزات زنان قهرمان ایران می باشد. این توصیف بر مبارزان مادران شهیدان چون رضایی، عا، احمدزاده، هاسپهری، ها و دیگران پرده استار می کشد زن ایرانی را تنها به سبک و سیاق فرهنگ امپریالیستی اروپایی میکند.

ولی شرکت وسیع زنان ایران در مبارزه اجتماعی، تصویر چندان بر صفحه تاریخ ایران ترسیم خواهد کرد و نشان خواهد داد که علیرغم میل امپریالیست ها و رونیویست ها، زنان ایران موفق خواهند شد در زیر لوای حزب طبقه کارگر بدست خویش آزادی خود را بدست آورند.

باز هم در ... بقیه از صفحه ۴

عدم توجه باین امر مهم - برسمیت شناختن ترور و اختناق پلیسی و تبلیغات گمراه کننده و دوام فریبانه رژیم ایران است که می کشد با این روش توده عا را در عقب ماندگی خود ایفا نماید. وظیفه کونیستها و نه تنها کونیستها بلکه هر عنصر خلقی است که از این سد تبلیغات گمراه کننده رژیم بگذرد و در تماس با توده های عقب مانده و رسیدگی به نیازمندیهای آنها اعتماد شان را جلب نموده و آنها را برای شرکت در مبارزات اجتماعی آماده نماید.

اگر عناصر پیشرو تنها بجنب نسبت به پیشروترین عناصر که لزوم حداقل تشکیک را در سازمان توده ای درک کرده اند انسداد اقدام ورزند و از وسیعترین توده ها ببردند در واقع به خود کونی میبایست توسل جست هاند و برای تبلیغ خویش در صد تدارک محمل شوریه هاند. در چنین صورتی آینده سازمان توده ای که محظی از آگاه ترین عناصر قشری طبقه است به سازمانی منفرد و جدا از توده ها بدل گشته و کیفیت توده های بودن خود را از دست میدهد. زین مافوقه دون میگوید: "توده ها بطور کستی در ره جا از سه قسمت تشکیل میشوند: بهترین نسبت فعال، بخش میانه و رو بخش نسبت عقب مانده. بدینجهت رهبران باید با مهارت عناصر قلیل فعال را بگرد رهبری متحد گردانند و با تکیه بر آنها سطح آگاهی سیاسی عناصر میانه رو را بالا ببرد و عناصر عقب مانده را بسوی خود جلب نمایند." (در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری منتخبات جلد سوم اینس یک اصسنل کنی در باره توده هاست اگر معتقدیم که توده ها سازنده تاریخند، اگر معتقدیم انقلاب اجتماعی بدست توده ها انجام می پذیرد و زمان پیروزی آن شکرگشت توده ها در آن است، پس باید به جلب توده ها حتی عقب ماندترین آنها همت گذاشت.

اگر انقلابیون در این جهت کام ببردند ارتقه به خطای عطیعی توسل جست هاند و عملا عدم اعتقاد خود را به پیشرو توده ها بیان داشته اند. عناصر آگاه باید بدانند که تنها در رابطه با جلب توده ها و تماس با آنهاست که تجارب خود را تکمیل کرده و در مسکات مبارزه آزموده میشوند. اعراض از این وظیفه به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

بگوشیم با تکیه بر فعالین سطح آگاهی عناصر میانه حال را بالا ببریم و عقب افتاده را جلب نمائیم.

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

### گوبا - پایگاه سوسیالیسم امپریالیسم

در آغاز فوریه ۱۹۷۴ لئونید برتوزف سرکرده رونیویستی های شوروی به گوبا سافرت کرد. آیا این سافرت دیداری دوستانه بود؟ دیداری خفاگر؟ تخفیف بخش بین المللی؟ با وجود آنکه آرایض صحنه ها چنین جنبه ای به این سافرت میداد معذک صحبت بر سر هیچیک از این دو نیست و دیدار برتوزف از گوبا، این دروازه سرزمین و کشورهای متحد امپریکا، به این منظور انجام گرفت که وابستگی کامل رژیم فیدل کاسترو را به اتحاد شوروی تقویت کند.

گوبا نه تنها از نظر اقتصادی وابسته به سوسیالیسم شوروی است بلکه پایگاه نظامی است که کاملاً در دست مسکرات و مبره همی است در رقابت با امریکا بخاطر گسترش دامنه نفوذ جهانی اتحاد شوروی. این واقعیتی است که "افسانه" فیدل کاسترو هم در یگرافت زینست. ترا بیوشاند.

فیدل کاسترو و یاران از تبه سهولت توانستند قدرت را بدست آورند و آمریکائی هارا برانند. همیسن سهولت در موفقیت خرد بورژوازی و از آنجمله تروتسکیست ها را که به سختگوییان انقلاب کوبا میدان گردیدند بسیار مسحور ساخت. امروز هفت کرمی بیند که امپریالیسم ریاکار دیگری در کوبا مستقر گردیده است. چگونه ممکن بود جریان صورت دیگر بخود بگیرد؟ مگر فیدل کاسترو در ۱۹۵۹ اظهار نداشت: "من کونیست نیستم. من مخالف کونیسم ام. قدرت دولتی بهیچوجه یک قدرت سرخ نیست و یک قدرت سبز رونیویستی است."

سپس وضع طوری پیش آمد که تا آن زمان شایسته نداشت کاسترو در آوریل ۱۹۶۱ در یک میتینگ توده های اعلام کرد: "من اعلام میکنم که از امروز کوبا وارد سوسیالیسم شده است." و در ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۱ "من امروز در کشور خود مان تشکیل حزب کار سوسیالیستی را اعلام میکنم و بالاخره در اکتبر ۱۹۶۱:

"من پیوستگی خود را به حزب کونیست اعلام میدارم. هنوز حزب وجود نداشت اما کوبا وارد مرحله "سوسیالیسم" شده بود! وقتی که رئیس دولت ابتدا اعلام میکند که کشور به سوسیالیسم وارد شده است فقط پس از آن تا سوسیالیسم حزب پیوستگی خود را به حزب اعلام میدارد. آیا جای آن نیست که انسان از خود بپرسد صحبت بر سر چگونه سوسیالیسمی است؟

پاسخ این سؤال امروز بر همه کس روشن است: "صحبت بر سر سوسیالیسم نیست! اقتصاد کوبا صد درصد وابسته به اتحاد شوروی است در اینصورت چه جای صحبت از سوسیالیسم است؟"

امادرمورد "راه انقلاب کوبا" این راه اکنون دیگر شواهد شوم و غم انگیز خود را بدست داده است. گواراسم که کاسترو الهام دهنده آن است در غم جا با شکست مواجه گردیده است.

چنین است ترازنامه کاسترو دوست باوفای رونیوی شوروی که در کشور اکثر کشورهای غیر متعبد در الجزیره فریاد برآورد که اتحاد شوروی ابرقدرت نیست. و این سخن درست در موقعی بر زبان میاید که شوروی سوسیالیست نفوذ خود را در امریکای لاتین گسترش میدهند. با بر کارداشتن این تازه از سلاح هسته ای مخالفت میوز و حقیقت تصمیم کوزرهای این منطقه را اثر بر اینکه آبهای ساحلی خود را تا ۲۰۰ میل توسعه دهند تحطه میکنند.

اعمال فیدل کاسترو و رفتار برتوزف خصلت دیدار سرگردانه سوسیالیسم امپریالیسم شوروی را از کوبا روشن میسازد. موضوع بر سر دیداری است که سلاطینی از حاکم مورد حمایت خود بعمل میآورند.

از هومانیته سرخ

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پیرو لتری است

باز هم در پیرامون

سازمان توده‌های

لنین کبیر بارها تأکید نموده که "ارتباط با تود مشروط اساسی هرگونه کار اتحادیه است". زیرا سازمانهای توده‌های همواره به‌شماره شکل مشخص پیوند حزب با توده‌ها می‌باشند و از طریق چنین توده‌های است که حیوان مجموعه طبقه را به حرکت درآورد و لذا اهمیت جلب توده‌های هرچه وسیعتر و اجباری شرایط سهل‌الوصول تر برای سازمان توده‌های، هرچه بیشتر اهمیت پیدا میکند.

روشن است که تنها در جایی باید کار و کوشش نمود که توده‌ها مؤثر باشند، تنها در جایی باید به تبلیغات دست زد که توده‌ها باشند و گرنه انجام وظیفه تبلیغاتی و از آن بدتر کار سیاسی معنی و مفهومی پیدا نمیکند. سرافروزی از جلب توده‌ها و آگاهی بخشیدن به آنها در واقع سرافروزی از کار سیاسی در بین توده‌هاست. استیغاف از این امر یعنی اقی گذاردن توده‌ها در جهل خویشی.

لنین میگفت: "حق اگرما اکنون در روسیه و پس از دو سال و نیم پیروزیهایی بی نظیر بر بورژوازی روسیه و آنتانت و شوط ورود در اتحادیه‌ها را قبول میکنم" "قرار هم عمل سفیانی‌های مرتکب شده‌ام و به شوق خود در بین توده‌ها لطمه وارد ساختم و هم به مشورتی که نمودم این را نیز تمام وظیفه‌ی کمونیستها این است که بتوانند عقب مانده‌ها را قانع کنند و بتوانند بین آنها کار کنند. نه اینکه با شمارهای من در آوری "چپ" کودکان بین خود و آنها حصار بکشند". ( نقل از "چپ روی" "بیامری کودکی در کومینکم").

لذا کار در بین توده‌های عقب افتاده بی اهمیت نیست این عمل بدان مفهوم نیست که سطح سازمان توده‌ها را باید تا سطح عقب افتادترین توده‌ها پایین آورد بلکه برعکس باید کوشید سطح آگاهی عقب افتادترین توده‌ها را ارتقا داد. برخی از دوستان تصور میکنند با دادن این نسبت که توده‌های عقب افتاده "ارتجایی" - "معاد به مواد مخدر" و یا حتی "شمال پلیس" هستند و میتوانند گریبان خود را از کوشش برای جلب توده‌های عقب افتاده خلاص نمایند و در حالیکه برعکس این طریق توجیه مسئله تازه و وظیفه‌مهمتر آگاه را چندین برابر میکند و نهایتاً دلیلی برای پراخت اوست ما از این گذشته قشر وسیعی از توده‌ها را شهنشاهانید "بمواد مخدر" یا حتی "ماورایلیس" نمودن همین بسیار سختی به توده‌ها محسوب میشود. توده‌ها بسیار حتی اگر جزء قشر عقب افتاده نیز باشند هرگز نمیتوانند عوامل ساواک بوده و در مجموع معتاد بمواد مخدر باشند و وجود چندین ده نفر را نباید مجموعه چندین هزار نفر تعمیم داد. این نوع توجیه به بدترین نوع توجیه ممکن است و تبلیغ پروری آن نه تنها تبلیغ راز جلب توده‌های عقب مانده و امید ازان بلکه دیگران را نیز دعوت مینماید تا در این زمینه کوشش نکنند.

از این گذشته عمق میدانند که گناه عقب ماندگی توده‌ها را نباید در خود توده‌ها بلکه باید در شرایط جامعه طبقاتی جستجو کرد. طبقات حاکم میکوشند با ایجاد مختلف توده‌های مردم راز هر قشر و طبقه در عقب افتادگی اجتماعی، در سطح پائین آگاهی نگاه دارند تا با اطلاع از واقعیت موجود در آسیا را در جهت سرنگونی رژیم حاکم بسیج نمایند. روشن است که روشنفکر آگاه در انتقال این آگاهی اجتماعی به توده‌های عقب افتاده نقش فعالی را بازی میکند و عم اوست که از خارج آگاهی سیاسی و اجتماعی را بدرون طبقات خلق منتقل مینماید رفیق ماگوتسه دون در مورد توده‌ها میگوید:

"کمونیستها هرگز نباید خود را از اکثریت توده‌ها جدا سازند، با هدایت چند دسته مترقی بطور مقرر و دستاورد و پیش روند و اکثریت توده‌ها را فراموش کنند. بلکه باید بکوشند که بین عناصر پیشرو و توده‌های وسیع پیوندی نزدیک برقرار سازند." (نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی چاب فارسی جلد دوم).

توده‌های مردم از درآمد نفت نصیبی ندارند

بنابه نوشته مطبوعات مزد و برابری... وزیران اوپیک قیمت‌های راکه شاهنشاه تعیین فرموده بودند... با آنکه بظن هر عیب بینامد حقیقی است غیر قابل انکار! مجله اکسپرس ۳۱ دسامبر ۷۲ درین باره می نویسد: "صبح روز شنبه ۲۲ دسامبر شاه رضایی با یکدیگر سر فروردین هر بشکه نفت بقیمت ۷ دلار بتوافق میسرند در حالی که نظر کارشناسان اوپیک ۱۰ دلار به ازای هر بشکه بود. درک این مطلب که بجه دلیل نمایندگان دیگر کشورهای تولیدکننده مقاومتی از خود نشان نداده هیجان ۷ دلای بیشکنا شاه رضایی را به تصویب می رسانند با توجه به مجموع تولید ایران و عربستان که مساری صرف کوفی تمام اروپاست حفظ مشکل نیست. با تمام اینها نماینده ابوظبی پیشنهاد کرده بود حداقل قیمت هر بشکه ۱۷ دلار تعیین گردد."

آری اعتراضات این مجله وابسته به محافظ پروریه داری غرب بخیبی نشان می دهد که چگونه شاه و فیصل با کابستین ۳ دلار در هر بشکه از قیمت پیشنهادی کارشناسان اوپیک همان دیگر عظیم ترین خیانتها را نسبت به همه کشورهای تولیدکننده نفت منطقه روا داشتند و بزرگترین خوش خدمتی هارانیست به اروپا با کارگران خوشبخت انجام رسانیدند. و اگر نمایندگان دیگر کشورهای تولیدکننده نفت شرکت کنند در گفتگوها تهران به تصمیمات آنان کردن نهادند بیشتر بخاطر آن بود که بهانه‌ای برای جدا کردن ایران و عربستان از اوپیک و در نتیجه بر باد رفتن دست آورد های گرانبهای این سازمان کشورهای تولید کننده نفت که در سالیان دراز وی خون دل حاصل گشته بدست شاه رضایی نهاده باشند. بنا به نوشته روزنامه لیبون چهارشنبه ۲ ژانویه کشور لیبی در حال حاضر از هر بشکه نفت خود درآمد خالص برابر ۱۱ دلار بدست می آورد. این صحیح است که کشور لیبی فاصله چندانی با اروپا ندارد ولی با توجه باینکه هزینه حمل و نقل یک بشکه نفت از خلیج فارس تا اروپای غربی از یک دلار نیز تجاوز نمی کند و شرکت کنندگان در گفتگوها تهران نیز در صورت عدم کارشکنی ایران و عربستان یقینا میتوانستند علی رغم همه حارو جنجالهای محافظ ابرالیستی مینی برده هم ریختن اقتصاد جهانی و قیمت پیشنهادی کارشناسان اوپیک را به تصویب رسانیدند. شدیدترین ضربه همرا بر محافظ ابرالیستی وارد سازند.

حال باید نظر گرفتن تولید جنون آمیز کشور که از مرز ۶ میلیون بشکه در روز نیز گذشته است "بهرکت و سود این رهبر خردمند" در یک روز ۱۸ میلیون دلار و در یک سال بیش از ۶ میلیارد دلار زیان نصیب کشور ما میگردد. وانگهی هتسوز

ترکب قرارداد جدید خشک نموده سفارشات جنون آمیز شاه برای خریدهای تازه... نفتکش از آلمان و انگلستان و آمریکا آغاز گشته است. "موجب آمارهای موجود درآمد ایران از نفت از ۵/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۷۸/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ رسیده یعنی در حدود ۴ برابر شده. حالیکه هزینه های نظامی از ۱/۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۰۰/۴۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ رسیده. با بحبایرت جاده تر تقریباً ۷ برابر شده است (بدون در نظر گرفتن هزینه پلیس و زائد اوری و سازمان امنیت). در سال ۵۲ تنها در یک غم خرید ۳۰ میلیارد دلار از سرمایه ملت ایران بجهب صاحبان کارخانههای اسلحه سازی امریکا سرازیر شده که برابر درآمد نفت در همین سال است. ... اگر قیمت های مزایده در همان سطح سابق باقی بماند جمع درآمد اسال نفت از ۳ میلیارد دلار بیشتر خواهد شد. کیهان عراقی ۸ دیماه ۵۲. برای اینکه به بنیید افزایش درآمد دولت ایران از نفت بجه صادراتی میسرند به صاحبان "موید" با مجله اکسپرس ۳۱ دسامبر ۷۲ توجه کنید:

"... ایران باید نقش دفاع از تمدن غرب را بعهده گیرد از ترس ایران باید بمشور بازنگه داشتن خلیج فارس. در حالت اقتصادتاریک ایران... عمده آن پولهای راکه من درین اثر این افزایش بدست آورد مام برای خرید از کشور شمشا صرفی خواهم کرد... آری محمد رضاشاه و هویدا و اردوستانه جنایتکاران کشور خودمانند که تا آخرین قطره نفت ایران را در ازای خرید بجزل و اسلحه در اختیار سرمایه داران غرب بگذارند. سوگند خودمانند با جاری نمودن خون ملت ایران زانو کشنی های غارتگرانه در زبان دریائی و بازرگانه ندارند. سوگند خودمانند که تا آخرین شامی درآمد ایران از نفت را دوباره بکاروندن های غارتگران جهانی میازگردانند. آری تا این در اوردسته خیانتکار و تا این ننگین ترین جرمهای تاریخ ایران برای ماند ماند اگر قیمت هر بشکه نفت تا ده برابر نیز موزنی باید بچلیونها موهون ما همچنان با فقر وی سواد و گرسنگی و با در درونج بیماری و دست بسته گریبان جواهرند بود. بازم برنده با زلفها و برهنه خنثیا و بر سوزان جنایتها و دزدی ها و رشوها و سر تعداد سگان پلیس روزنه تنها بهمان میزان افزوده خواهد شد آری تا در اوردسته جنایتکار شاه باقی است تا آمریکا و اسرائیل برکشور ما فرمان میرانند ملت ما در گاهش افزایش بهای نفت مرد و قربانی خواهد شد.

چهره فاسد شاه

سؤال را در برابر او قرار داد: "پسر شما از دواج خود را تکذیب میکنید؟ پاسخ شاه: نه من تکذیب نمیکنم. مسن شاهنشاهم" "شاه شاهانم" در شأن و مقام من نیست که ظلم را تکذیب کنم. اکنون برده‌ها بر می‌آیند. روزنامه اطلاعات مسبوخ دوم اسفند ۱۳۵۲ تحت عنوان "طبق قانون جدید پیش از این زن نمیتوان اختیار کرد" چنین خبر میدهند: "کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی لایحه اصلاح قانون حمایت خانواده را مطرح کرد. بنا بر تصویب این کمیسیون هیچ مردی پیش از این روزن نمیتواند اختیار کند. این لایحه همسر سوم و چهارم را موقوف میکند. بدون شک تعدد زوجات قدم موثری در راه حمایت خانواده است و البته گام تازه ای در راه آزادی بیشتر زن و حمایت بیشتر از خانواده. این اصلاح قانون حمایت خانواده و رجال را هم شادمان خواهد ساخت و هم امیدوار. شادمان زیرا که با قانون جدید بدون هیچ مشکلی میتوانست دوزن اختیار کنند و امیدوار زیرا که "شاهنشاه" در آینده ای نزدیک همسر سوم خواهد گرفت و این خودمعمل تازه ای برای "اصلاح" قانون حمایت خانواده بدست خواهد داد. بدیهی است حناچند تعداد زنان "شاهنشاه" به چهار برسد و بکریا زبیه اصلاح قانون نیست چون در انطباق با قانون شرع است که شاه خود را پیرو حای آن مینماید

شاه پنجاه و پنج ساله دل در گرو دوشیزه ای شانزده ساله گذاشت. طاقش طاق شد و تاب و تاون از دست برد و همواره این صرغ همی خواند: "صال نوزع جوادان به؟ دختر را نعمت داد و ثروت بخشید تا دل او بخورد رام کرد. موثر نیتقاد. مادر وی را به مقام معاونت وزارت برکشاد سودمند داشت. آنچه ما عرو میخواست این بود که شاه او را به حیاله نکاح درآورد و در کاخ سلطنتی بنشاند. سالها پیش که شاه زنان را "آزادی" بخشید قانونی نیز بر حمایت خانواده و تصویب رسانید که مرد را یک زن بس است و پیش از این او را شایسته نیست. اما شاه آنجانواله و شیفته بود که هیچ مانعی راه بر او نمی بست. او از روی قانین گفت شو به ازدواج تن داد. شایعه ازدواج تازه شاه بر سر زبانها افتاد. در جزو آیک سپهان خارجی که صحت امر را جویا بود مقامی در نخست وزیری گفت که شاه حق دارد چنانچه زنی مورد پسند وی افتاد او را بعقد خود در آورد. با اینحال ازدواج شاه کدر مطوب عات خارج انعکاس یافت. در درون کشور اعلام نشد. روزنامه‌ها عا این بار ازدواج "شاهنشاه" را به سکوت برگزار کردند. روزنامه‌نگار ایتالیائی فالاجی در صحابه خود با شاه از این منقله سخن بمان آورد و جواب شاه دوهیل بود و بازم مطلب را در برده و اسام باقی میگذاشت. روزنامه نگار جسرورین

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!